

# جایگاه خوش نویسی در معماری مساجد

ویلرام. تاکستون  
ترجمه مهدی حسینی



آرایش و تذهیب قرآن، که تسبیح کلام و وحی الهی است با قلم پیوند دارد و باید که این حرفه شریف، به طرح و نقش مزین گردد.

نخستین آرایش کلمه وحی الهی به مولای متقیان و قائد پرهیزکاران، شیر خدا، شاه ولایت، علی ابن ابیطالب (ع) نسبت داده شده و دیگران در این حرفه شریف به حضرتش ناسی جُسته‌اند. برگی چند که اصطلاحاً به آن اسلامی اطلاق می‌شود، به حضرتش منسوب است.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر به لحاظ موجه جلوه‌دادن چهره‌سازی و تصویر انسان دوست محمد به سنت متوسل شده و آغاز چهره‌پردازی را به دانیال نبی نسبت می‌دهد:

هرچند، به لحاظ حفظ شئون شرعی، استادان فن در این مورد سر به جیب تفکر فرو می‌برند، ولی از نوشته بزرگان قوم چنین برمی‌آید که آغاز چهره‌سازی هم‌زمان با رسالت دانیال نبی بوده است. می‌گویند پس از رحلت حضرت رسول اکرم (ص): تعدادی از پیروانش، برای ترویج اسلام به بیزانس (قسطنطنیه - روم شرقی) مسافرت نمودند. در آن دیار به امپراتوری با نام هرکول مواجه شدند. پس از رویه‌رو شدن با موارد خارق‌العاده و عجیب بسیار، [امپراتور] از حالات و احوال حضرت رسول اکرم (ص) جو یا شد. سپس صندوقی را پیش کشید و گشود. در آن تصویری قرار داشت که موجب شگفتی حاضران گردید. هرکول چون حیرت حاضران را بدید، از آنان سؤال نمود که آیا «این فرد را می‌شناسید؟».

پاسخ دادند:

خیر، هرگز با چنین چهره درخشانی روبه‌رو نگشته‌ایم و هرگز انوار تابناک آن بر ما آشکار نبوده است.

هرکول گفت:

این چهره حضرت آدم ابوالبشر است.

و هم‌چنان به نشان‌دادن چهره‌ها ادامه داد تا این‌که به

نجتم و تصویر اندام انسان همواره موضوعی مورد بحث در طول تاریخ اسلام بوده است. هرچند رعایت چنین ملاحظاتی بیش‌تر در گفته بوده است تا در عمل، چنان‌که تاریخ‌نگاری و کتابت در اسلام - و به‌ویژه ایران - در یک نگاه آشکار خواهد ساخت، ولی مشخص است که در حیطة مسجد و یا دیگر مکان‌های نیمه‌مقدس - مرقده، آرامگاه، مدرسه و مانند آن - مخالفت با تصویر جان‌دار نه‌تنها از فرهنگ سامی (و به‌ویژه یهودی-مسیحی) بلکه از تمدن‌های پیش از آن نظیر زرتشتی متأثر بوده است.

حتی در زمینه‌های غیردینی، نگارگران و تصویرسازی که اغلب در کار مصورسازی موضوع‌های جان‌دار بودند، پیوسته احساس می‌نمودند که به فعالیتی «مشکوک» و یا غیرموجه، هرچند نه عملاً ممنوع، اشتغال دارند. نویسندگانی نیز که در این زمینه قلم‌فرسایی نموده‌اند، تلاش داشته‌اند تا تصویر را به نوعی موجه جلوه دهند. دوست محمد، نویسنده قرن نهم هجری قمری با استناد به علی ابن ابیطالب (ع) تذهیب و تزیین را این‌گونه تفسیر می‌کند:

از اندیشه بزرگان محفل راز چنین مستفاد می‌شود که گلستان نقش و نگاره گلزار کامل تزیین است و

چهره حیرت‌انگیزی به درخشانی آفتاب رسید، که اندام شاهوارش گرد وجود حضرت آدم را از عدم به هستی گردانید و جامه عافیت پوشانید. از رویت این چهره، حیرت حاضران از دیدن نخستین چهره‌ها از میان برخاست و حیرت‌شان از انوار تابناک زیبایی چهره اخیر فزونی یافت... زمانی که حاضران با چهره روبه‌رو شدند، قطره‌های اشک مانند دانه‌های الماس از گونه‌های‌شان سرازیر گشت و قلب‌شان از عشق به حضرت رسول آکنده شد. با دیدن اندوه، التهاب و اشک‌های‌شان، هرکول علت را جو یا شد.

آن‌ها گفتند:

این چهره رسول گرامی ما است. این پرده‌ها از کجایند، که این چنین نمایانگر چهره‌های رسولان‌اند؟

هرکول گفت:

حضرت آدم (ع) از درگاه خداوند درخواست نمود تا چهره پیامبرانی را که از نسل وی به رسالت منسوب گشته‌اند، به وی بنمایاند. در نتیجه خالق تمامی هستی، صندوق هزاربینه‌ای به وی ارزانی داشت که در هر قسمت از آن قطعه‌ای ابریشم قرار گرفته بود که روی هر قطعه از آن تصویر یکی از پیامبران نقش بسته بود. از آن‌جا که این صندوق به‌مشابه شاهد است، لوح شهادت نامیده شده است.

حضرت آدم (ع) پس از این که آرزویش از سوی پروردگار اجابت شد، صندوق را در خزانه‌اش، که در مکانی نزدیک محل غروب خورشید بود، قرار داد. ذوالقرنین<sup>۴</sup> آن‌ها را با خود از آن‌جا برد و به دانیال نبی داد و او این آثار را با قلم اعجازبرانگیزش، پرداخت.

از آن‌زمان به بعد صورت‌گری در زیر آسمان کیود استمرار یافت و شبیه‌سازی که در کمال ظرافت توسط دانیال نبی انجام یافته بود در دربار امپراتوری قسطنطنیه، تا زمان رحلت حضرت رسول اکرم (ص) محفوظ ماند. بنابراین،

صورت‌گری مجوز لازم را داراست و صورت‌گران مجاز هستند با وجدان راحت به صورت‌گری بپردازند.<sup>۴</sup>

صرف‌نظر از ریشه‌های مخالفت در زمینه بازنمایی نقش انسان، رحل برجسته مسلمانان برای تزئین کاخ‌ها و اقامتگاه‌های‌شان از نقش انسان و حیوان سود برده‌اند.<sup>۴</sup> و مسلمانان قرون میانه، به‌ویژه در مراکز فرهنگی ایران، هرگز از به‌کاربردن چنین نقوشی در نگاره‌های‌شان ابایی نداشته‌اند. ولی، زمانی که پای مسجد به‌میان می‌آید، داستان شکل دیگری به خود می‌گیرد. کلام مکتوب، از نخستین دوره‌ها، به‌عنوان بنیادی‌ترین و در مواردی منحصربه‌فردترین ابزاری بوده است که برای تزئین دیوارهای مساجد به‌کار می‌رفته است. بدون وجود هرگونه حضوری از عالم محسوس، کلام مکتوب، به‌دور از هرگونه تعصبی، در جهان اسلام، که آیات و سوره‌های قرآن به‌مشابه آنها کلام و وحی الهی به‌شمار می‌آید، به شیواترین و زیباترین وجه ممکن، که شایسته آن است، عینیت یافته است.

به‌طور کلی، برای تزئین مساجد، آیاتی از قرآن کریم، فوازهایی از حدیث نبوی و عباراتی که ذهن انسان را به سوی تفوا و پرهیزکاری سوق می‌دهد انتخاب می‌شود و با وجودی که انتخاب عبارات پیوند ننگانگی با محل استقرارشان دارد، ولی برای همیشه و در همه جا همان آیه یا حدیث نبوی به‌کار نرفته است.

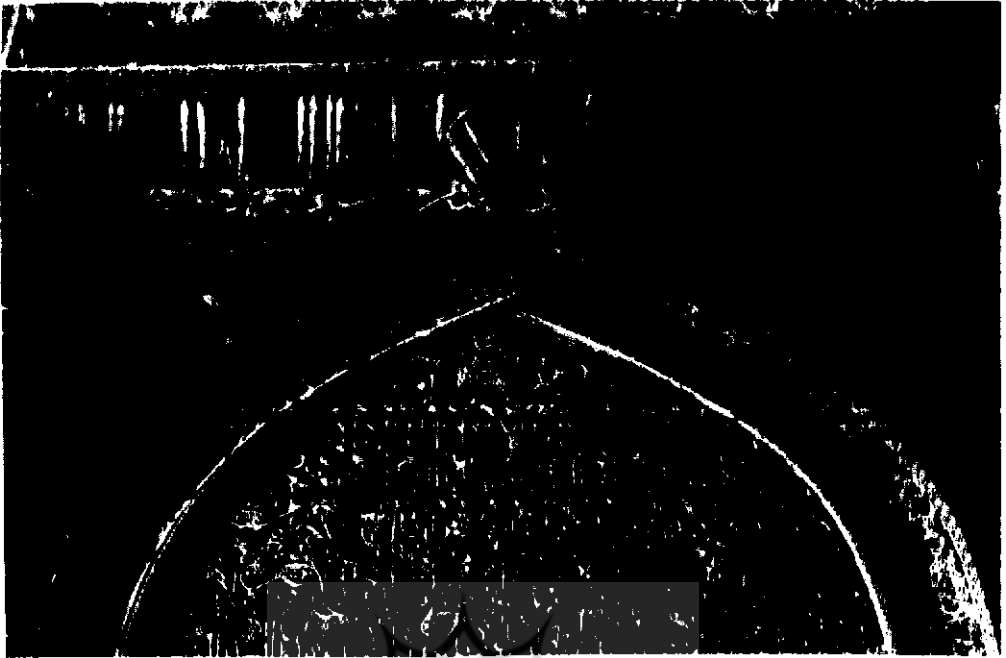
نحوه استفاده از آیات و احادیث از بسیار ساده تا به‌شکل تزئینات اغراق‌آمیز در نوسان است. یکی از انواع بسیار ساده تزئینات، در قالب خوش‌نویسی، متعلق به مسجد سوس در تونس (۲۳۵ ه.ق.)<sup>۵</sup> است که شامل کتیبه ساده‌ای از آیات قرآنی به خط کوفی است که دور تا دور صحن نقش بسته است. یکی از نهانه‌های متمایز استفاده از خوش‌نویسی در معماری مساجد، استفاده صرف از کلمه‌الله است که در سرتاسر بنای اسکی‌کامی، در ادیرنه، ترکیه، به‌کار رفته است. نحوه استفاده از حروف ندهتها بسیار مشخص و تکراردهنده



داخل اولوکامی (مسجد بزرگ  
۸۸۱۲ ق.م) بورسسا، ترکیه، که  
نشان‌دهنده استفاده بسیار از  
خروش‌نویسی روی ستون‌ها  
می‌باشد.

ورودی مرکز اسلامی، واشنگتن،  
دی.سی. که با آیاتی از سوره نور،  
(سوره ۲۴، آیه ۳۶)، در کتیبه که به  
خط کوفی - جدید است آمده: *وَلِی  
بِیوتِ اذنِ اللّٰه ان ترفع وینکر لیهما  
اسمه و یسبح له و یهتد بالهدی  
والاصال.*





محراب اولجاپنلو ۸۷۰۹ ق. در مسجد جمعه اصفهان، کلمات فصار حضرت علی (ع) که به صورت گچ بری تلویز یافته است.

روبه‌رو می‌سازد که موجب تمرکز ذهن می‌گردد. آیات قرآنی صرف‌نظر از این که تزئین و یا آذین شده باشند، فی‌الذات، دارای ارزش‌اند؛ مانند تلاوت قرآن کریم، که، حتی بدون آگاهی کامل از پیام و محتوای آن، امری ثواب به‌شمار می‌آید. وجود آیه‌های قرآنی مانند شمایل‌های مذهبی امری خداپسندانه است؛ به‌مثابه حضور محسوس یک امر فراواقع کلام الهی. در قالب آیات قرآنی، شأنی درخور درک انسانی می‌یابد. با این تعبیر، از نظر خوش‌نویس و یا معمار چندان حایز اهمیت نیست تا خطوطی که روی دیوار مساجد و یا دیگر بناهای مذهبی نگارش شده‌اند، خوانا باشند. در این‌جا از لفظ «خوانا» استفاده شده است و نه «روشن»، زیرا کتیبه‌ها، تقریباً در همه موارد، دارای صراحت‌اند و این امتیاز را دارا می‌باشند که بالأخره خوانده و یا تفسیر خواهند شد — هرچند به تأنی و یا تأخیر. به‌هر تقدیر اغلب‌شان به سادگی خوانا نمی‌باشند؛ برخی از آن‌ها در

است — که در عین حال بسیار امروزی به‌نظر می‌آید — بلکه نظیرش کم‌تر دیده شده است. ساختار معماری آن شباهت بسیاری به مسجد جمعه (بی‌بی‌خانم) در سمرقند دارد و تمام فضای بیرون و اندرون آن با شیوهٔ مُعَقَلی (تلفیق آجر و کاشی) با آیات قرآنی و احادیث نبوی آذین شده است. (البته تزئینات هیچ مسجدی به وسعت تزئینات مسجد امام در اصفهان نمی‌باشد، ولی باید در نظر داشت که تزئینات مسجد امام شامل اسلیم‌ها و کاشی‌های منقوش می‌باشد نه خوش‌نویسی صرف.) یکی دیگر از تزئینات معماری، در قالب خوش‌نویسی، در مسجد اولوکاسی در بوسرا، ترکیه (تاریخ اتمام ۸۰۲ ه.ق.) می‌باشد که دیوارها با خطی بسیار زیبا و در مواردی با شگردهای هوشمندانهٔ شیوهٔ خوش‌نویسی عثمانی موسوم به آینه‌ای، تزئین شده است. آیات قرآنی که به‌طور کامل و یا بخشی از آن، بیرون و یا داخل مسجد به‌کار رفته است، بیننده را با پیامی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مشق - نمونه‌ای از خط نخستین عربی که در قرن اول هجری ابتدا در مکه و سپس در مدینه ابداع گردید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کوفی بنایی - این خط ابتدا در کوفه ابداع شد و تا قرن سوم هجری تنوعات زیادی به خود دید و از شکل‌های غالب خوش‌نویسی در ممالک اسلامی بود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کوفی شرقی - از انواع خط کوفی که در قرن چهارم هجری ابداع گردید که ویژگی آن خطوط کشیده عمودی است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ثلث - خط ثلث که تا قرن سوم هجری تکامل لازم را یافته بود، کاربردهای بسیاری برای زمینه‌های تزئینی داشت.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نسخ - نوشتن و خواندن خط نسخ ساده‌تر از دیگر خطوط بود، به همین لحاظ، پس از تجدید نظر در ساختار آن در قرن چهارم هجری، برای کتابت قرآن از این خط استفاده شد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مخفف - نوع متداول دیگری از خط برای کتابت قرآن، عمق میدان قوس‌ها افراق‌آمیز نبوده که موجب گردش خط از چپ به راست و بالعکس می‌گردد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ربحانی - خط ربحانی ویژگی‌های خط ثلث و نسخ را یکجا داراست. اهراب‌گذاری آن از طریق قلم ظریف‌تری، سواي قلم اصلی انجام می‌پذیرد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نعلیق - با خط معلق را ایرانی‌ها در قرن ششم هجری ابداع نمودند و حتی بعد از ابداع خط نستعلیق - که خط بسیار ظریفی است و در قرن نهم هجری ابداع گردید و برای اسناد فارسی به‌کار گرفته شد - اعتبار خود را برای نگارش اسناد معتبر از دست نداد.

مکان‌های تاریک قرار دارند، تعدادی‌شان در مکان‌های بسیار بلند قرار گرفته‌اند که خواندن‌شان را مشکل می‌نماید و برخی دیگر چنان حروف‌شان درهم پیچیده و یا درهم‌بافته شده‌اند که بیرون از توان هر انسان عادی است تا رمزشان را بگشاید.

برای مثال، بر دیوار آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات (۸۲۸ ه.ق.) با تنظیم هندسی بسیار حساب‌شده خط بنایی، عبارتی رقم خورده است که با تلاش زیاد می‌توان عبارت «سبحان الله العظيم وحمده» را در آن خواند. ولی هیچ‌کس از یک زائر عادی آرامگاه انتظار ندارد که ساعت‌ها متوقف شود و رمز آجرچینی را بگشاید. در حالی که آیه: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (سوره اسراء، آیه ۸۴)<sup>۱</sup>، به روشنی و به صورت خوانا نگارش شده است. در مسجد مرکز اسلامی واشنگتن در خیابان ماساچوست، واشنگتن دی.سی. بر سردر ورودی مسجد کتیبه‌ای به خط کوفی جدید قرار دارد که تقریباً ناخواناست و کم‌تر کسی است که به آن توجه نماید.

در این جا مسئله آشنایی قابل تأمل است. می‌گویند در گذشته دور، اگر فردی به آن میزان سواد داشت که بتواند آیه‌های قرآن را روی دیوار مسجد بخواند، تمام قرآن را در طول آموزش دوره ابتدایی حفظ می‌نمود و بعدها با اندک اشاره‌ای می‌توانست بقیه آیه را تلاوت کند. ضرورتی ندارد که مردم تمام قرآن را از حفظ بلد باشند، زیرا بسیاری از آیاتی که روی دیوار مساجد حک شده‌اند، از آیاتی هستند که عموم با آن آشنایی دارند.

مساجد صدر اسلام محدود به استفاده از خط کوفی بودند، زیرا تنها خط موجود در صدر اسلام بود. در زمان حکومت خلفای عباسی، با ابداع خطوطی که گردش نرمی داشتند و نیز تنظیم تناسبات خط که منجر به وضع قوانین کلاسیک خط در سده‌های پنجم و ششم هجری گردید، ندریجاً، برای تزیینات مساجد و عمارات مهم خط ثلث، به صورتی فراگیر جایگزین خط کوفی شد.

نمونه‌ای از خطوط تزیینی عربی.



خط کوفی بنایی با تنوعات هندسی بی‌شمارش هم‌چنان ایفا شد، ولی به مرور زمان ساختار تزیینی آن، به واسطه همراه نمودن گره‌ها و شکل‌های هندسی شده طبیعی و گیاهی، فزونی یافت، به نحوی که خواندن آن دشوار گردید. از نمونه‌های کلاسیک خط، مانند محقق ندرتاً برای تزیین مساجد استفاده می‌شد و بیش‌تر برای کتابت قرآن‌های بزرگ از آن بهره گرفته می‌شد. از خط توقیع نیز به‌مثابه خط مکمل ثلث استفاده شده است و اغلب برای نگارش نام هبه‌کننده به کار رفته است. از خط تعلیق برای نگارش امور دیوانی استفاده شده است و به کاربردن خط نستعلیق را برای آذین مساجد و حتی کتابت قرآن مناسب نمی‌دانستند - هرچند که مسجد امام در اصفهان، از این قاعده مستثنی است.

خط ثلث عموماً با لعاب سفیدرنگ روی زمینه آبی - تیره در دو سطر موازی به صورت افقی، در کتیبه‌های موجود، نگارش شده است. در حقیقت این دو خط که به موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند، دو بخش از یک کتیبه‌اند، زیرا بخش‌هایی از خطوط سطر فوقانی در قسمت پایین استمرار یافته و برخی از حروفی که در بخش تحتانی قرار گرفته‌اند تا بهینه فوقانی کتیبه ادامه یافته و یک مجموعه هم‌آهنگ را تشکیل داده‌اند.<sup>۷</sup> شیوه دیگری که نمونه‌های بسیاری از آن در دوره تیموری و صفوی دیده می‌شود، بهره‌برداری از کشش‌های عمودی خط ثلث روی جهت افقی کتیبه است که اغلب به رنگ سفید روی زمینه سُرْمه‌ای، به همراه حروفی به شیوه کوفی، به رنگ اخراعی یا قهوه است که مکمل رنگ‌های اصلی کتیبه است.<sup>۸</sup> اگرچه قرائت حروف فوقانی امکان‌پذیر است، ولی تشخیص حروفی که آن‌ها را قطع می‌نمایند، چندان ساده نیست. تقریباً در اکثر موارد، به‌لحاظ اندازه کتیبه‌های کوفی و فاصله آن‌ها از سطح زمین، خواندنشان میسر نمی‌باشد: در شرایطی که رؤیت خط کوفی فراهم‌تر است، به‌لحاظ فقدان اعراب‌گذاری، قرائت آن چندان ساده نیست. بنابراین،

مراد از کتیبه کوفی نه انتقال متن بلکه صرفاً جنبه زیباشناختی آن بوده است تا بخش‌های عمودی و افقی را با هم مرتبط ساخته و به ترکیبی هم‌آهنگ بیانجامد. این شیوه تلفیقی بسیار هوشمندانه‌ای بوده که برای قرن‌ها در مساجد و بناهای مذهبی ایران از آن استفاده می‌شد.

مثنون متنوع بسیاری برای تزیین دیوارهای مساجد در دسترس است که اغلب‌شان متناسب با فضای هستند که در آن نقش بسته‌اند. هرچند سندی وجود ندارد که حاوی دستورالعمل مشخصی برای انتخاب آیه یا متنی برای محل معینی باشد، ولی متونی که برای آذین بنا انتخاب شده‌اند، نشان از دانش و بصیرت حامی، طراح و یا معمار آن دارد. یک نمونه درخشان آن آیات قرآنی بر کتیبه بلند دروازه، ورودی مجموعه فتح‌پور سیگری است که در سال ۹۸۲ ه.ق. توسط امپراتور مغولی هند، اکبر، بنا گردیده است. این کتیبه که از طریق نقش گود، به خط ثلث آذین شده است، شامل سوره ۳۹، آیه‌های ۷۳ تا ۷۵، سوره ۴۱، آیات ۵۳ و ۵۴ و سوره ۴۱، آیات ۳۰ و ۳۱ است. نخستین بخش چنین آهواز می‌گردد: «وَتَحْتِ ابْوَهَا وَقَالَ لَهُمُ الْجَنَّةُ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَهَدَىٰ أَرْوَاقَنَا فِي الْأَرْضِ» و در بالای دروازه ورودی: «سُئِرْهُمْ أَيُّنَا فِي الْأَفَاقِ» (سوره ۴۱، آیه ۵۳) که جملگی انتخاب مناسبی است برای یک دروازه یادبود که به مبنی یک پیروزی بزرگ نظامی احداث شده بود.

انتخاب متن پیوند تنگاتنگی با مذهب هر کشور دارد. الحاق کلمات قصار حضرت علی (ع)، گنج‌بری‌های محراب اولجایتو (۸۷۰۹ ه.ق.) در مسجد جمعه اصفهان - صرف‌نظر از نام دوازده امام شیعه که در محراب آمده است - به‌طور آشکار مسجد را در ارتباط تنگاتنگ با مذهب شیعه معرفی می‌دارد.<sup>۹</sup> به همان نحو که نام چهار خلیفه راشدین که در اغلب مساجد عربی رؤیت می‌شود، شُرف سنی بودن آن‌هاست.<sup>۱۰</sup> عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد وسلم» که در کتیبه گنبد





مسجد سلطانی در مدرسه چهارباغ اصفهان (۱۱۲۵-۱۱۱۷ ه.ق.) به کار رفته است، بدون هیچ تردیدی مُعرّف یک مسجد شیعه است. آیاتی که در آن عبارت «امل بیت» به کار آمده است (سوره ۱۱۰، آیه ۷۳ و سوره ۳۳، آیه ۳۳) معمولاً مُعرّف ذهنیت شیعیان و لا اله الا الله، محمد رسول الله، عبارتی است که هم شیعیان و هم سُنی ها مشترکاً در مساجدشان به کار می برند.

یکی از موارد استثنایی انتخاب متن در پیوند آن با محل احداث محراب می باشد. زیرا برای تزیین اغلب محراب ها از آیاتی استفاده شده است که در آن واژه محراب به کار رفته است، مانند:

«كلما دخل عليها زكريا المحراب» ۱۱ سوره ۳، آیه ۳۷

یا

«يصلّى في المحراب» سوره ۳، آیه ۳۹.

و یا آیاتی انتخاب شده اند که فرد را به اقامه نماز ترغیب می نماید مانند:

«واقم الصلوة طَرَفِي النهار وزلفا من الليل» سوره ۱۱، آیه ۱۱۴ در مسجد جامع هستانم، ایران، (۷۰۱ ه.ق.). از آیاتی که در موارد بسیار از آن استفاده می شود آیه ۲۵۵ از سوره بقره است که تقریباً در همه جا به چشم می خورد:

اللّٰهُ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَّهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ مَن ذَا الَّذِى يَشْفَعُ عِنْدَهٗ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهٗ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهٗمَا وَهٗوَ الْعَلِىُّ الْعَظِيْمُ.

متن های قرآنی متداول دیگر عبارتند از:

سوره ۳، آیه ۱۸:

شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوالعلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم.

سوره ۹، آیه ۱۸:

انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر واقام الصلوة وءاتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين.

سوره ۹، آیه ۳۳:

هو الذى ارسل رسوله، بالهدى ودين الحق يظهره، على الدين كله ولو كره المشركون.

سوره ۵۵، آیه های ۲۷-۲۶:

«كل من عليها فان» و «يفى وجه ربك ذو الجلال والاكرام» ۱۳

و سوره الاخلاص:

قل هو الله احد \* الله الصمد \* لم يلد ولم يولد \* ولم يكن له كفوا احد \* ۱۴.

انتخاب متنی از احادیث حضرت رسول اکرم (ص)، برای تزیین مساجد، نیز امری رایج است و عموماً از احادیثی انتخاب می گردند که با مسجد پیوند دارند. برای مثال متن گنج بری شده محراب مسجد جمعه ارومیه، در ایران، (۶۷۵ ه.ق.) ترجمه این عبارت است که می گوید: نماز را به پا دارید و از آن هفتت نکنید، که دقیقاً مناسب محل انتخاب شده است. یکی دیگر از احادیثی که در آرامگاه ها بسیار به کار رفته است، این حدیث نبوی است که می فرماید:

«عجلوا بالصلاة قبل الفوت وعجلوا بالتسوية قبل الفوت».

که به طور مثال، در آرامگاه تومان آقا، در شازند، سمرقند (۸۰۷ ه.ق.) و در کتیبه گنبد مسجد بی بی خانم در سمرقند دیده می شود. محراب مشهور اولجایتو در اصفهان، در بردارنده این حدیث نبوی است که می گوید: هر کس در روی زمین مسجدی بنا کند، خداوند سرایی در بهشت برایش می سازد.

و نیز احادیثی از مولای متقیان، علی ابن ابیطالب (ع) نظیر: آن کس که به مسجد پناه آورد...

مناسب ترین سوره برای مقابر سوره یاسین است که

استفاده از خط شکسته نستعلیق در بسیاری از ابنیه مغولی دیده می‌شود. کتیبه‌ای به فارسی در پایین پنجره‌های مسجد وزیرخان، لاهور، پاکستان، ۱۰۲۳، آنانی راکه ایمان آورده‌اند بشارت می‌دهد و به مشترکان هشدار می‌دهد.

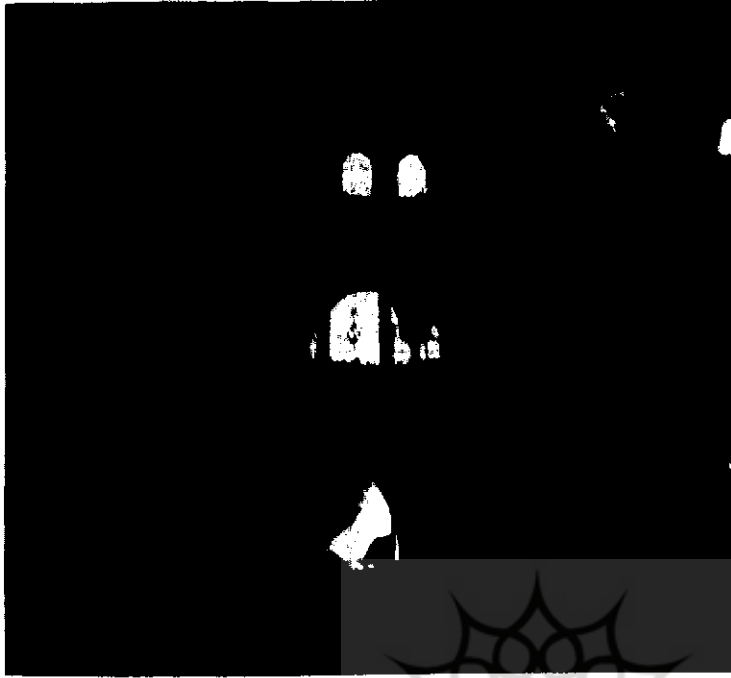
پرتال جامع علوم انسانی

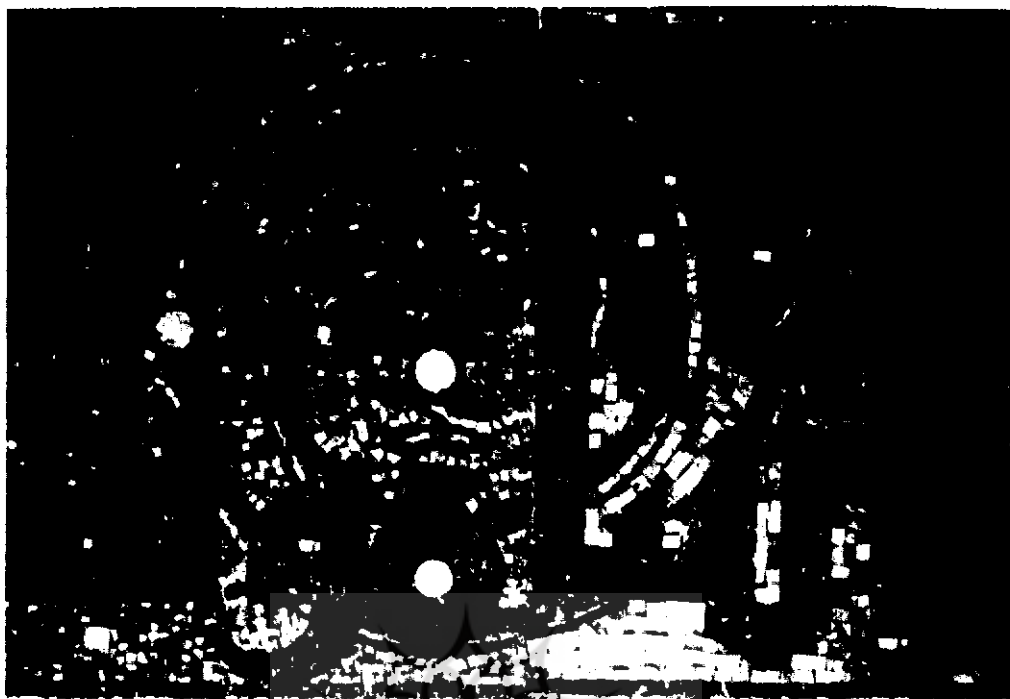


بخشی از آیات نقرشده روی سنگ، در مسجد جمعه، هرات، افغانستان. (تاریخ ساختن ۵۹۹-۵۹۷، الحاقات بعدی تا سدهٔ نهم هجری قمری ادامه داشته است).

مسجد ایا صوفیه در ترکیه ابتدا یک کلیسای بیزانسی بود که در قرن ششم میلادی بنا گردیده بود. بعد از تسلط عثمانی‌ها در سال ۱۴۵۳ این بنا تبدیل به مسجد شد و برای تزئین داخل آن در سال ۱۸۴۷-۹ نام حضرت رسول اکرم (ص) و برخی از خلفای راشدین به آن منظم گشت.

کتیبه کاشی سردر پنجره مسجد فاتیمی در استانبول ترکیه (۸۷۲-۸۶۷) که بخشی از سوره بقره آیه ۲۵۵ بر آن نقش بسته است: «وَلَا يُؤْتِيهِمْ حُلُفُهُمَا وَهَوَالَمَلِ الْعَظِيمِ»





بخشی از موزاییک‌های مرمت‌شده دوره اموی در شبستان مسجد الاقصی، فلسطین، ۹۶ هـ.ق.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

(هر دو تصویر پایین): نمونه‌ای از خوش‌نویسی  
مهاصر در شبستان مسجد بزرگ شیبا، چین (فرون)  
هفتم تا یازدهم هجری) که با نام مسجد خلوص  
واقعی معرفی شده است.



## پی‌نوشت‌ها:

1. دوست‌محمد مقدمه ترقیع بهرام میرزا (استانبول، موزه نوب‌کاپی) برگردان از Thackston. در کتاب شاهزادگان یک سده، ص ۳۴۳. اصطلاح اسلیمی که در اصل اسلامی بوده و از حرکت و تاب ساق درخت رُز در طبیعت منتزع شده است. ابداع آن با نام اسلامی به حضرت علی ابن ابیطالب (ع) نسبت داده شده است و از این نظر دوست‌محمد در مقدمه با نام اسلامی از آن یاد می‌کند که اسلامی‌ترین نوع تزیینات است.
2. ذوالقرنین نام یکی از رسولانی است که در قرآن آمده و مُعرف اسکندر مقدونی است. در نصوص قرآن ذوالقرنین فردی است که به محل غروب خورشید دست یافته است (مغرب الشمس، سوره ۱۸، آیه ۸۶).
3. دوست‌محمد، همان مأخذ، ص ۳۴۳ به بعد.
4. به‌طور مثال موزاییک‌های قصر امراء در سوریه.
5. میرسید احمد مشهدی، مقدمه بر ترقیع امیر غایب‌بیگ (استانبول، موزه نوب‌کاپی) برگردان از Thackston. از کتاب شاهزادگان یک سده، ص ۳۵۳.
6. نقل قولی که صفویان بسیار می‌پسندند.
7. یک نمونه درخشان آن مدرسه مسجد جامع اصفهان است. خود مدرسه در سال ۷۶۷ بنا گردیده است، ولی کاشی‌ها و کتیبه‌ها متعلق به تاریخ پیش‌تری است.
8. نمونه‌ای از آن در مسجد جامع ابرقو، ایران، یافت می‌شود (نیمه دوم قرن هشتم هجری).
9. در دوره ایلخانان اصطلاح اهل بیت به همان میزان میان سنی‌ها متداول بود که در میان شیعیان. فرقی میان شیعه و سنی از زمان صفویان به این‌سو محسوس‌گشت.
10. مشخص‌ترین نمونه آن در مسجد اباصفویه، در استانبول، به چشم می‌خورد.
11. مانند محراب مسجد سولوقلو محمد پاشا در استانبول (۹۷۸ ه.ق.).
12. ورودی یک مسجد شانی هم‌سنگ محراب دارد و به این لحاظ ورودی مسجدی در قرطبه (۳۴۵ ه.ق.) و ورودی مدرسه سلطان حسن در قاهره (۵۷۷ ه.ق.) با سوره نور آدین شده است.
13. برای نمونه‌ای درخشان‌تر به کتاب خوش‌نویسی اسلامی، ژنو، ۱۹۸۸، ص ۱۶۵ مراجعه کنید.
14. کتاب تصویر کلام تألیف ای. سی. داد و اس. خیرالله مراجعه کنید.
15. جالب این‌جاست که یک نقاش دوره صفوی تصویر نوشیرون را، که از سلاطین پیش از ظهور اسلام است، در حال عبور از ورودی یک بنای متروک نشان می‌دهد که در بالای آن آمده است: بافتتاح الابواب.

به هنگام فوت اشخاص نیز تلاوت می‌گردد. نمونه شاخص آن آرامگاه تاج‌محل است که بر تارک جناب‌های ورودی آن، سوره یاسین به‌طور کامل حک شده است. در محل قبر سرباز گمنام در بنای ممتازمحل، سوره ۳، آیه ۱۸۳ نقر شده است، که در تناسب کامل با آرامگاه است:

کل نفس ذائقه الموت وانما توفون أُجورکم يوم  
القیمة فمن اخرج عن النار وادخل الجنة فقد فاز وما  
الحیوة الدنيا الامتاع الغرور.

آیات و احادیثی که در نگاره‌ها نیز به‌کار رفته‌اند پیوند تنگاتنگی با محتوای نگاره دارند. «الله ولا سواه» و «یا آوردن آیه نظیر سوره ۷۲، آیه ۱۸:

وان المسجد لله فلا تدعوا معه احدا.

هر بیننده‌ای را متوجه این مطلب می‌کند که بنای تجسم‌یافته، یک مسجد است - حتی قبل از این‌که چشم فرصت مذاقه اثر را داشته باشد.

از موارد جالب‌توجه به‌کارگرفتن عباراتی نظیر الملک‌الله و یا مفتاح الابواب در نگاره‌هاست، که از آیات قرآن نبوده و روی عماراتی به‌کار گرفته شده‌اند که مذهبی نیز نمی‌باشند. الملک‌الله از آیه الله ملک السموات والارض منتزع شده است. الملک الیوم لله الواحد القهار، از سوره ۴۰، آیه ۱۶ اخذ شده است:

يوم هُم بربزون لا یخضی علی الله منهم شیء لمن  
الملک الیوم لله الواحد القهار.

یا مفتاح الابواب، که معمولاً بر بالای ورودی‌ها و دروازه‌ها دیده می‌شود ترکیبی است از سوره ۷، آیه ۴۰ و سوره ۷۸، آیه ۱۹.

در گستره پهنای دنیای اسلام کلام مکتوب جای ویژه‌ای دارد که از نمونه‌های بسیار ساده تا بسیار پیچیده را دربر می‌گیرد. ولی کلام مکتوب همواره، همراه با نقوش هندسی و اسلیمی، تنها شکل موزون برای تزیین مساجد شناخته شده است و خوانابودن آن اغلب و به‌حق، تحت‌الشعاع کیفیت زیباشناختی آن قرار داشته است.